

بررسی اقتصاد مقاومتی در پرتو اصل آزادی کسب و کار

رسول احمدی بنی^۱، فرامرز عطریان^{۲*}، سید محمد مهدی غمامی^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد، نجف آباد، ایران

۲. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد، نجف آباد، ایران

۳. استادیار دانشگاه امام صادق (ع) تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۹۸/۲/۲ تاریخ پذیرش: ۹۸/۳/۳۱

چکیده

آزادی کسب و کار شرایطی است که در آن افراد، مادامی که به دنبال معیشت اقتصادی و مالکیت بیشترند، می‌توانند با اختیار فردی عمل کنند. هر بخش از شاخص آزادی اقتصادی، در بطن خود، رابطه حیاتی میان اشخاص و دولت را دارد. اصل آزادی کسب و کار که یکی از اصول رشته حقوق عمومی اقتصادی است، تأثیر بسیار زیادی در سلامت اقتصادی جامعه دارد. از طرفی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی که توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب شده‌اند، کارآمدترین روش جهت اداره اقتصادی کشور را ارائه می‌دهند. با توجه به اهمیت موضوع و ارتباط عمیق بین اقتصاد مقاومتی و اصل آزادی کسب و کار، جایگاه اقتصاد مقاومتی در پرتو این اصل بررسی گردید. در این پژوهش، با روشی تحلیلی به بررسی موضوع پرداخته شده است و ضمن تعریف و تشریح اقتصاد مقاومتی و اصل آزادی کسب و کار، اصول کلی اقتصاد مقاومتی در پرتو اصل مذکور بررسی گردیده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و اصل آزادی کسب و کار اهداف مشترکی دارند و به‌کارگیری درست و اجرای همه‌جانبه این سیاست‌ها، می‌تواند در دستیابی به اصل فوق مؤثر باشد.

واژگان کلیدی: اصل آزادی کسب و کار، افزایش بهره‌وری، اقتصاد مقاومتی، کارایی بازار.

مقدمه

بهبود فضای کسب و کار چند معیار دارد که برای به دست آوردن آن، چند محور را در کنار هم قرار می‌دهند و یک شاخص درست می‌کنند. شاخص رقابت‌پذیری شاخصی جهانی است که برای سنجش فضای کسب و کار به کار می‌رود (پیغامی، ۱۳۹۵، ۲۵۸). از آنجایی که اقتصاد مقاومتی نسبت به بهبود فضای کسب و کار اهتمام زیادی ورزیده، اصول کلی آن در ارتباط با اصل آزادی کسب و کار بررسی می‌شود.

اقتصاد انقلاب اسلامی به دنبال تحقق استقلال اقتصادی، افزایش رفاه عمومی و ساختن اقتصادی پیشرفته است. از همان ابتدای انقلاب مشخص بود که تحقق این اهداف چون باعث عدم وابستگی به قدرت‌های بزرگ می‌شود، موجب یک نوع رویارویی با قدرت‌های اقتصادی جهان خواهد شد؛ بنابراین می‌توان گفت که اقتصاد انقلاب اسلامی در بطن خود یک الزام در خصوص مقاومت و مقاومت اقتصادی دارد.

مقام معظم رهبری برای اولین بار در سال ۱۳۸۹ از لفظ اقتصاد مقاومتی در جمع کارآفرینان استفاده کردند و شاهد آن بودیم که ادبیات اقتصاد مقاومتی در سال‌های ۱۳۸۹، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ شکل گرفت. این نظریه با مبانی و اهداف خاص خود و الگوی اختصاصی نظریه‌پردازی ویژه خودش، شکل گرفت و مطرح شد. اوج تاریخ اقتصاد مقاومتی، نیمه دوم سال ۱۳۹۲ است. با ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، یک برنامه جدید در کشور برای طراحی این نظام اقتصادی و اجرای آن شکل گرفت که شامل یک مجموعه ۲۴ بندی و یک مقدمه مهم بود. بنابراین می‌توان گفت که نظریه اقتصاد مقاومتی در سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۲ به صورت منسجم بیان شد و با ابلاغ سیاست‌های کلی، که در چارچوب اصل ۱۱۰ قانون اساسی صورت گرفت، یک الزام حقوقی و قانونی برای مسئولین کشور در هر سه قوه ایجاد شد. به این ترتیب پایه‌های نظری و قانونی اولیه برای طراحی یک نظام اقتصادی جدید تحت عنوان «اقتصاد مقاومتی» فراهم شد.

بعد از مطرح شدن موضوع اقتصاد مقاومتی توسط مقام معظم رهبری و تعیین و ابلاغ سیاست‌های کلی آن از طرف ایشان، این موضوع مورد توجه پژوهشگران همه رشته‌ها قرار گرفته، هریک با توجه به تخصص خود به بررسی آن می‌پردازند. ما در این پژوهش سعی در بررسی و واکاوی جایگاه اقتصاد مقاومتی در تحقق اصل آزادی کسب و کار داریم. علت انتخاب این عنوان بدین جهت است که اولاً اصل آزادی کسب و کار یکی از نقاط پیوند دو رشته حقوق و اقتصاد بوده و به‌کارگیری قواعد و اصول آزادی کسب و کار نقش مهمی در کارایی بازار و رشد اقتصادی کشورها دارد، ثانیاً اصل آزادی کسب و کار از جمله موضوعاتی

است که در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی بر آن تأکید شده است. بررسی نقش اقتصاد مقاومتی در اصل آزادی کسب و کار می‌تواند راهگشای کارگزاران و ارکان تصمیم‌گیرنده کشور، از جمله دولت و مجلس، باشد تا با وضع قوانین و مقررات، اجرای اقتصاد مقاومتی را در عمل ممکن سازند.

درباره جایگاه اقتصاد مقاومتی در اصل آزادی کسب و کار، تاکنون پژوهشی صورت نگرفته است که ممکن است علت آن نو بودن موضوع اقتصاد مقاومتی و البته عدم توجه کافی به موضوع اصل آزادی کسب و کار در کشور باشد؛ بنابراین بررسی این موضوع کاملاً جدید و بدیع است. با توجه به اینکه اقتصاد مقاومتی و سیاست‌های آن قرار است به‌عنوان خط‌مشی کلی کشور در تمام حوزه‌ها قرار گیرد، بررسی این موضوع ضروری است. سؤال اصلی ما در این مقاله این است که آیا سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در اصل آزادی کسب و کار جایگاهی دارد یا خیر. فرضیه اولیه در پاسخ به این سؤال این است که اصول و اهداف اقتصاد مقاومتی ارتباط زیادی با اصل آزادی کسب و کار دارد. بنابراین ما با روشی تحلیلی، این موضوع را در دو گفتار بررسی می‌کنیم. در گفتار نخست اصل آزادی کسب و کار و اقتصاد مقاومتی را تعریف و اصول و اهداف هر کدام را بیان می‌کنیم. سپس در گفتار دوم به بررسی جایگاه اقتصاد مقاومتی در اصل آزادی کسب و کار خواهیم پرداخت.

۱. تعریف، اصول و اهداف اصل آزادی کسب و کار و اقتصاد مقاومتی

در این گفتار به تعریف اصل آزادی کسب و کار و اقتصاد مقاومتی پرداخته، اصول و اهداف هر یک را اجمالاً بررسی می‌کنیم.

۱-۱. تعریف، اصول و اهداف اقتصاد مقاومتی

در این قسمت پس از تعریف اقتصاد مقاومتی، اصول و اهداف آن را تبیین می‌کنیم.

۱-۱-۱. تعریف اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی اقتصادی است که در شرایط دشواری، تهدید و دشمنی بتواند به اهداف خودش برسد (عبدالملکی، ۱۳۹۳، ۲۷). هر اقتصادی با هر پایه ایدئولوژیک و در هر چارچوب فکری، فلسفی و اجتماعی، اهدافی داشته، در مسیر تحقق اهدافش دشواری‌ها، تهدیدها و موانعی دارد. طبیعی است که سردمداران هر جامعه‌ای تلاش کنند نظام اقتصادی خود را به نحوی سامان دهند که با وجود دشواری‌ها، اهدافش محقق شود که این یعنی ایجاد اقتصاد مقاومتی (مؤمنی، ۱۳۹۶، ۲۱). اقتصاد مقاومتی یعنی برخورداری از مزایای اقتصادی، با ادامه مقاومت و مبارزه در مقابل دشمنان متجاوز و مستکبر (اختری، ۱۳۹۵، ۲۱). در تعریفی دیگر، اقتصاد مقاومتی به معنی تشخیص حوزه‌های فشار و متعاقباً تلاش برای کنترل و بی‌اثر کردن آن

تأثیرها و در شرایط آرمانی تبدیل فشارها به فرصت است (پروین، ۱۳۹۶، ۴). مفهوم اقتصاد مقاومتی در ادبیات علمی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان الگوی بومی و علمی که برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی و متناسب با وضعیت خاص جمهوری اسلامی ایران است، اولین بار در سال ۱۳۸۶ به وسیله مقام معظم رهبری استفاده شد. اقتصاد مقاومتی مفهوم و ماهیتی خاص و ویژه دارد. با مطالعه مجموعه بیانات مقام معظم رهبری در خصوص اقتصاد مقاومتی می‌توان گفت که اقتصاد مقاومتی آن الگوی بومی اقتصادی است که مبتنی بر اصول و مبانی قانون اساسی و ارزش‌های نظام جمهوری اسلامی طراحی شده و هدف از آن ایجاد ثبات و پایداری، به‌ویژه در مقابل بحران‌ها و تحریم‌های خارجی، برای ایجاد رشد، شکوفایی و پیشرفت است (بهادری جهرمی و دیگران، ۱۳۹۵، ۱۳).

۲-۱-۱. اصول و اهداف اقتصاد مقاومتی

کشور ما به دلیل بحران‌ها و تحریم‌های خارجی و نابسامانی‌های داخلی تقریباً در یک دهه اخیر با رکود اقتصادی چشمگیری مواجه بوده است. در همین راستا مقام معظم رهبری با درک درست این موضوع، طبق عرف حسنه‌ی ایجادشده، محور نامگذاری سال‌های اخیر را حمایت از تولید و کار و سرمایه ایرانی و اصلاح الگوی مصرف و نیز مباحثی قرار دادند که باعث تحقق مهم‌ترین هدف قانون اساسی در بخش اقتصاد، یعنی خودکفایی و استقلال اقتصادی، شود. در ادامه‌ی این فرآیند، مقام معظم رهبری با استفاده از اختیار خویش بر اساس بند یک اصل یک‌صد و ده قانون اساسی، در سال ۱۳۹۲ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی را تعیین و ابلاغ کردند.

درباره جایگاه این سیاست‌ها و به‌طور کلی جایگاه سیاست‌های کلی نظام ابلاغی از طرف مقام معظم رهبری در مقایسه با سایر هنجارهای حقوقی، نظرات متفاوتی وجود دارد؛ ولی در مجموع به نظر می‌رسد که جایگاه این سیاست‌ها پایین‌تر از قانون اساسی و بالاتر از سایر قوانین و مقررات باشد (زارعی، ۱۳۸۳، ۳۲۷). بنابراین سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی مجموعه‌ای از تدابیر و خط‌مشی‌های اقتصادی است که در راستای اصول و اهداف قانون اساسی بوده، باید چراغ راه و مبنای همه اعمال و تصمیمات ارکان کشور قرار گیرد.

اهداف مبنایی نظام اقتصاد مقاومتی، در واقع همان مکتب اقتصادی اسلام و اهداف تفصیلی آن، اهداف اقتصادی انقلاب اسلامی است. برای انقلاب اسلامی سه هدف اصلی اقتصادی مطرح می‌شود: ۱. استقلال اقتصادی، ۲. رفاه عمومی، و ۳. پیشرفت (عبدالملکی، ۱۳۹۳، ۲۷). از نظر مقام رهبری، مهم‌ترین محورهای اقتصاد مقاومتی عبارت‌اند از: مردمی بودن اقتصاد، دانش‌بنیانی و نوآوری، عدالت اجتماعی، مبارزه با فساد، شفاف‌سازی، خودکفایی و تولید ملی، افزایش

بهره‌وری، اصلاح الگوی مصرف، مدیریت جهادی و کاهش وابستگی به نفت (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۸ فروردین ۱۳۹۵).

بندهای بیست و چهارگانه سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی حاوی اصولی کلی به شرح ذیل است:

۱. خودکفایی، تولید ملی و استقلال اقتصادی، ۲. تحرک و پویایی بازار و نظام اقتصادی کشور، ۳. مردمی کردن اقتصاد، اشتغال‌زایی و تقویت بخش خصوصی، ۴. مبارزه با فساد و شفافیت در امور اقتصادی و اداری.

فصل چهارم قانون اساسی نیز درباره اقتصاد و امور مالی است. این فصل مشتمل بر سیزده اصل است و از فصول مهم قانون اساسی به شمار می‌رود که اجرای صحیح این اصول و پیاده‌سازی کامل آنها، موجب نیل به اهداف اقتصاد مقاومتی خواهد شد.

۲-۱. تعریف، اصول و اهداف اصل آزادی کسب و کار

در این قسمت به بررسی اصل آزادی کسب و کار پرداخته‌ایم، بدین شرح که پس از تعریف، تاریخیچه آن را بیان کرده، سپس اصول و اهداف آن را تبیین می‌نماییم. البته از آنجایی که در این مقاله قرار است جایگاه اقتصاد مقاومتی از منظر اصل آزادی کسب و کار بررسی شود و این اصل یکی از اصول حقوق عمومی اقتصادی است، باید تعریفی از حقوق عمومی اقتصادی ارائه دهیم. در تعریف حقوق عمومی اقتصادی آمده است: اجرای سیاست‌ها و تدابیر اقتصادی اشخاص اداری به وسیله ابزارهای حقوقی (مودنی، ۱۳۹۳، ۲۰). از سوی دیگر، سیاست‌های اقتصادی همان مداخلاتی است که توسط نهادهای عمومی برای تأمین منافع اقتصادی کلان به عمل می‌آید. لذا حقوق عمومی اقتصادی بر رویکرد حقوقی تأکید دارد و در آن چگونگی رسیدن به یک نتیجه مشخص، پیش‌بینی می‌شود نه خود نتیجه.

۲-۱-۱. تعریف و تشریح اصل آزادی کسب و کار

مهم‌ترین فرض اقتصاد مدرن گردش گسترده اقتصادی و مبادلات در بازار است. اصل مذکور بسیار گسترده و اصول مختلفی تحت آن قابل طرح است؛ مثل آزادی انتخاب حرفه، آزادی معاملات، قیمت‌گذاری کالا و خدمات، مدیریت آزاد بنگاه تجاری و رقابت. تا کنون تعریف حقوقی جامعی از اصل آزادی کسب و کار ارائه نشده است؛ ولی به طور کلی این اصل به مفهوم آزادی افراد در انتخاب شغل و کسب است که در قانون اساسی نیز بدان اشاره شده است. همه اصول حقوق اقتصادی مذکور، ابعاد متنوع اصل آزادی کسب و کار هستند و همانند حلقه‌های زنجیری به یکدیگر متصل‌اند؛ اما همانند دیگر اصول در حقوق عمومی اقتصادی، قوای عمومی به دلایل مختلف چارچوب اعمال آزادی کسب و کار را تعیین و در برخی مواقع

دامنه اصل را به شدت محدود می‌کند.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و تصویب قانون اساسی، در اصل بیست و هستم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بر حق انتخاب شغل مورد تمایل افراد تأکید شده است؛ اما این حق با سه قید محدود و مشروط گردیده است؛ اسلام، مصالح عمومی و حقوق دیگران. در این منبع ابتدا به فطری بودن حق آزادی شغل اذعان و تأکید شده است. ارتباط این حق و مصالح عمومی مسئله‌ای است که ممکن است در این رابطه مطرح شود؛ برای مثال تعداد علاقه‌مندان به یک شغل گاهی بیشتر از حد نیاز جامعه است. برای رفع این اشکال قانونگذار در کنار آزادی انتخاب شغل، به دولت حق داده است که بتواند بر اساس نیاز جامعه کسی را از شغلی باز دارد؛ لذا جمع بین حقوق فردی و حقوق اجتماعی ایجاب می‌کند که ضمن حفظ آزادی در تمایل افراد، حقوق جامعه هم محفوظ باشد. در این مرحله، مسئله پروانه کار و اجازه شغل مطرح می‌شود که دولت حق دارد به اشخاص تکلیف کند که برای شغل اجازه لازم است. بنابراین هم میل شخص و آزادی او و هم نیاز جامعه باید حفظ شود. با چنین قید و استنباطی، دخالت دولت در تعیین حدود مشاغل قابل انتخاب برای افراد اصل می‌شود و چنانچه در چارچوب مداخلات دولت قیود دیگری مطرح نشود، حق آزادی انتخاب شغل وجود دارد.

گفتنی است که اصل رقابت نیز شباهت‌های بسیاری به اصل آزادی کسب و کار دارد که به همین علت به تعریف حقوق رقابت نیز می‌پردازیم. رقابت جایی است که قدرت انحصاری مؤثری وجود نداشته باشد؛ افزون بر آن هیچ یک از خریداران و فروشندگان قدرت تعیین قیمت را نداشته باشند (دفتر مطالعات اقتصادی وزارت بازرگانی، ۱۳۸۴، ۸۶). یکی از نویسندگان فرانسوی حقوق رقابت را این طور تعریف می‌کند: «قواعد و مقررات حقوقی که رقابت را میان عاملان اقتصادی در یافتن و حفظ یک مشتری سامان می‌دهد». همچنین می‌توان حقوق رقابت را قواعد مربوط به تسلط و حفظ بخشی از بازار (یا همه‌ی آن) دانست. حقوق رقابت بخشی از حقوق اقتصادی است که ناظر به حقوق بازار باشد (Dominique, 2004, 71). این تعریف به نظر می‌رسد تعریف کامل و مناسبی باشد؛ ولی در مجموع می‌توان گفت که حقوق رقابت شاخه‌ای از حقوق اقتصادی است که به تنظیم رفتارهای اقتصادی توسط دولت می‌پردازد و در پی ناکارآمدی حقوق خصوصی در رفع کاستی و سازمان عدالت در فضای بازار پا به عرصه وجود گذاشته و شامل مجموعه‌ای از مقررات تکلیفی است که در برابر رفتارهای انحصاری و ضد رقابتی کنشگران بازار توسط دولت اعمال می‌گردد (غمامی و دیگران، ۱۳۸۹، ۱۵۸).

ارتباط حقوق رقابت با اصل آزادی کسب و کار بدین نحو است که آزادی کسب و کار باعث

ایجاد رقابت در بازار می‌شود و رقابت حق انتخاب خرید را در پی دارد. حق انتخاب موجب می‌شود هر فروشنده‌ای سعی کند قیمت پیشنهادی خود را دست‌کم برابر با قیمت دیگر رقبا یا مناسب‌تر از آنان ارائه دهد. برای نیل به این هدف باید تعداد کافی فروشنده وجود داشته باشد (سماواتی، ۱۳۷۴، ۴۸). این عوامل مجموعاً باعث تعادل در بازار می‌شود.

۲-۱. اهداف و اصول مربوط به اصل آزادی کسب و کار

یکی از راه‌های منطقی در هر بحثی «تأسیس اصل» است تا بر اساس آن بتوان گفتارهای خلاف قاعده را از گفته‌های مطابق اصل بازشناخت و در برابر کسی که ادعایی خلاف اصل دارد، تعیین کرد که بار اثبات بر عهده کیست. قانون اساسی اصل است؛ لذا باید اصل آزادی تجارت را نیز از میان اصول قانون اساسی به دست می‌آید اما به نظر می‌رسد اصول مورد استناد (اصول ۲۸، ۴۳ بند ۴، ۴۴ و ۴۶) برای اثبات «اصل آزادی تجارت» کافی نباشد؛ چراکه مقنن اساسی در این اصول در مقام بیان موارد زیر بوده است: «آزادی انتخاب شغل» (اصل ۲۸ و بند ۴ اصل ۴۳)، «موظف کردن دولت نسبت به فراهم آوردن امکان اشتغال» (اصل ۲۸)، «استواری نظام اقتصادی بر آن قسمت از بخش خصوصی که مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی است» (اصل ۴۴) و «احترام به مالکیت انسان نسبت به حاصل کسب و کار خویش» (اصل ۴۶).

با توجه به اصول فوق نمی‌توان «اصل آزادی تجارت» را به گونه‌ای پذیرفت که بر اساس اصل ۱۷۰ قانون اساسی، تصمیمات دولتی و اجرایی محدودکننده این اصل را توسط قضات دادگاه‌ها و دیوان عدالت اداری، قابل نقض قلمداد کرد؛ چراکه قانونگذار در مقام بیان این اصل نیست؛ به‌ویژه آنکه ذیل اصل ۴۴ مقرر می‌دارد: «تفصیل ضوابط و قلمرو و شرایط هر سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی را قانون معین می‌کند». این بدان معنا است که قانونگذار اساسی در مقام بیان کلیاتی درباره این سه بخش است، نه تأسیس اصل.

ممکن است گفته شود که اگر اصل بر «آزادی انتخاب شغل» (اصل ۲۸) باشد، تجارت نیز یکی از مشاغل است، پس «اصل آزادی تجارت» از این طریق قابل اثبات است. پاسخ این استدلال چنین است که اولاً بر اساس این گفتار باید پذیرفت که اصل آزادی در هر شغلی مثلاً طبابت و کشاورزی از اصول قانون اساسی است. ثانیاً نتیجه این استدلال «اصل آزادی انتخاب تجارت» است نه «اصل آزادی تجارت». تفاوت میان این دو پرواضح است؛ چراکه «اصل آزادی تجارت» در رتبه متأخر از «اصل آزادی انتخاب تجارت» به‌عنوان یک شغل است؛ بدین معنا که ابتدا باید اصل آزادی انتخاب تجارت به‌عنوان یک شغل به اثبات برسد - که از اصول قانون اساسی به دست می‌آید - و پس از آن بحث کرد که آیا اصل بر آزادی تجارت است یا خیر. نتیجه آنکه استدلال به اصول فوق‌الذکر برای اثبات «اصل آزادی تجارت» کافی و وافی نیست؛

گرچه شاید بتوان از راه‌های دیگر این اصل را ثابت کرد (احمدزاده بزاز، ۱۳۷۹، ۳۱). با توجه به موارد پیش‌گفته، یکی از مهم‌ترین ابزارها در تأمین حقوق صاحبان مشاغل، قانون اساسی است. این سند مهم‌ترین منبع حقوق اساسی و عمومی برای مردم، اعم از زن و مرد، به شمار می‌رود. بر اساس اصل ۲۸ قانون اساسی، دولت ایران موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار را فراهم سازد. حق انتخاب شغل در این اصل از قانون اساسی به همه افراد اعم از زن و مرد داده شده است؛ یعنی آزادی افراد در اختیار کردن حرفه و شغل دلخواه. به این ترتیب هیچ کس را نمی‌توان وادار به کاری کرد که بدان تمایل ندارد یا او را از شغلی که به آن دل‌بسته است بازداشت (شریعت‌پناهی، ۱۳۸۴: ۶۲۱، ۶۲۳).

برای تحقق آزادی انتخاب شغل در جامعه باید زمینه‌های اشتغال با سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های صحیح برای همگان فراهم آید تا افراد قادر باشند به کاری مشغول و مایحتاج زندگی را از دست‌رنج خود تحصیل کنند. همچنین باید برخی رسوم اجتماعی مانند کار اجباری و نظایر آن، که ذاتاً با حیثیت، شأن و مقام انسان مغایرت دارند، منسوخ شوند (طباطبایی موتمنی، ۱۳۸۶: ۵۱۵). با این حال باید گفت چون همه اصول قانون اساسی از جمله اصل ۲۸، مقید به رعایت موازین اسلامی و عدم مخالفت با اسلام هستند، این قید (رعایت موازین اسلامی) موجب محدودیت‌های شرعی و قانونی برای قشری از صاحبان مشاغل در تصدی برخی از مشاغل می‌شود (حسینی، ۱۳۹۶: ۵۱۱).

در بحث آزادی انتخاب شغل، بحث از عدم اجبار و منع تبعیض پیش می‌آید. بنابراین بند ۳ اصل ۴۳ قانون اساسی تصریح بر رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری دارد. ماده ۶ قانون کار بر اساس بند ۴ اصل ۴۳ و بند ۶ اصل ۲ و اصول ۱۹، ۲۰ و ۲۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در این زمینه چنین بیان کرده است: «اجبار افراد به کار معین و بهره‌کشی از دیگران ممنوع و مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود و همه افراد از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و هر کس حق دارد شغلی را که به آن مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند».

برای اصل آزادی کسب و کار برخی اهداف اقتصادی زیر را برشمرده‌اند:

۱: کارایی اقتصادی: کارایی به معنی انجام دادن کاری به بهترین وجه، با بهترین نتیجه و بدون هدر دادن وقت، انرژی و پول است. کارایی در علم اقتصاد نیز تقریباً همین معنا را دارد؛ در

علم اقتصاد کارایی به معنای به دست آوردن بهترین محصول و تولید از حداقل منابع موجود است (نخعی آغمیمونی و دیگران، ۱۳۸۲، ۱۱۸). به عبارت دیگر، کارایی یعنی تولید با حداقل هزینه ممکن و به حداکثر رساندن منافی که امکان به دست آوردن آنها از منابع موجود توسط مصرف‌کنندگان وجود دارد (صادقی مقدم و دیگران، ۱۳۹۰، ۱۲۸). کارایی اقتصادی متشکل از سه جزء کارایی پویایی، کارایی تولیدی و کارایی تخصیصی است (Taylor, 2006, 112). توضیح این سه بخش خارج از بحث ما است.

۲: افزایش رفاه: یکی دیگر از اهدافی که برای آزادی کسب و کار برمی‌شمارند، افزایش رفاه است؛ چراکه رفاه وسیله سنجش عملکرد هر بازار است. از همین رو، رفاه را سنگ بنای حقوق مصرف‌کننده به حساب آورده، گفته‌اند که سرانجام فرآیند آزادی کسب و کار و متعاقب آن رقابتی بودن، باید ایجاد منفعت برای مصرف‌کنندگان باشد (Stuyck 2015, 84). به این موضوع در قوانین رقابتی ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا نیز تأکید شده است.

۳: جلوگیری از سوءاستفاده از قدرت بازاری: یکی از اهداف مهم تصویب قوانین شرم‌نا و کلایتن^۲ در ایالات متحده آمریکا، کنترل بنگاه‌های دارای انحصار بود. این بنگاه‌ها قادر بودند قیمت کالاها را تعیین و سودهای سرشاری از این طریق به دست بیاورند (صادقی مقدم و دیگران، ۱۳۹۰، ۱۲۹). انحصار با حقوق رقابت در تضاد است؛ لذا بازار سالم، بازاری است که رقابتی باشد و قیمت و کیفیت کالاها در نتیجه‌ی رقابت در بازار بهبود یابد.

۲. جایگاه اهداف و اصول اقتصاد مقاومتی در اصل آزادی کسب و کار

در این گفتار به بررسی جایگاه اقتصاد مقاومتی در اصل آزادی کسب و کار می‌پردازیم و حدود و ثغور آن را تبیین می‌کنیم.

۲-۱. خودکفایی، تولید ملی و استقلال اقتصادی و اصل آزادی کسب و کار

خودکفایی و تأمین استقلال اقتصادی مهم‌ترین هدف اقتصاد مقاومتی است که علاوه بر تأکیدات قانون اساسی بر آن، ریشه در آموزه‌های شریعت اسلام نیز دارد. استقلال اقتصادی به‌عنوان یکی از ابعاد استقلال عبارت است از مجموعه امکانات و توانایی‌هایی که با اتکا به آنها، حکومت با بهره‌گیری از امکانات و فرصت‌های اقتصاد داخلی و با برقراری روابط با اقتصاد بین‌المللی، حاکمیت خویش را محفوظ می‌دارد (هاشمی، ۱۳۹۳، ۱۲۴). همچنین استقلال اقتصادی یکی از عوامل تحقق امنیت اقتصادی خارجی یا بین‌المللی است. این مهم وقتی حاصل می‌شود که کشور بتواند منافع اقتصادی خود را آن‌گونه که خود تشخیص می‌دهد، تعقیب کند (میرمعزی، ۱۳۹۰، ۸۶). چنانچه ملتی بتواند بدون تأثیرپذیری از محیط خارجی، اعم از منطقه‌ای و نیروهای اثرگذار بین‌المللی مانند قدرت‌های بزرگ، سازمان‌های اقتصادی

بین‌المللی و شرکت‌های چندملیتی، برای خود برنامه تدوین کند، آن ملت را مستقل می‌نامند (تقی‌زاده انصاری، ۱۳۷۹، ۸۷). استقلال اقتصادی به معنای انزواجویی و بستن همه درها به روی خود نیست؛ بلکه عبارت است از یک کوشش آگاهانه و خردمندانه به منظور یافتن یک دید درست و واقع‌بینانه بر اساس موازین عقل سلیم (مؤمنی، ۱۳۷۱، ۱۴۲). در کشور ما افزون بر اصول متعدد قانون اساسی و قوانین عادی، نامگذاری سال‌ها و اکثر سیاست‌های کلی که در سال‌های اخیر توسط مقام معظم رهبری تعیین و ابلاغ شده‌اند، همه در راستای تأمین استقلال اقتصادی کشور بوده‌اند.

رشد تولیدات ملی یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های رشد اقتصادی است. حرکت در مسیر استفاده مطلوب از تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه داخلی نیازمند وجود یک عزم راسخ ملی و ایجاد تمهیدات حقوقی و قانونی لازم برای هموار کردن راه و رفع موانع این مسیر است. به‌کارگیری درست قواعد اصل آزادی کسب و کار و تسهیل آن در بازار باعث کارایی اقتصاد کشور می‌شود و افزایش کمی و کیفی تولید ملی را به دنبال خواهد داشت (صادقی، ۱۳۸۶، ۹۳). یکی از موضوعات مهمی که در کنار افزایش کمی تولید باید به آن توجه کرد، کیفیت محصولات است. بر اساس یک قاعده کلی در بازار، کیفیت محصول نتیجه آزادی کسب و کار است که خود منجر به رقابت در بازار می‌شود. به عبارت دیگر، در بازاری می‌توان انتظار تولید محصولات با کیفیت را داشت که چندین بنگاه و شرکت تولیدی برای به دست آوردن سود بیشتر با هم رقابت کنند. این رقابت باعث می‌شود تا آنها برای جذب مشتریان بیشتر، کالاهای باکیفیت‌تری ارائه دهند و رفاه و رضایت مصرف‌کننده را حاصل کنند.

نکته مهم دیگری که باید در بحث حمایت از تولید داخلی و در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی به آن توجه جدی شود، محدود کردن یا هزینه‌بر کردن واردات، از جمله واردات کالاهای غیرضروری، است. این کار یکی از محدودیت‌های اصل آزادی کسب و کار در راستای اقتصاد مقاومتی است. بر اساس این، بنگاه‌های واردکننده کالا باید با محدودیت‌هایی روبه‌رو شوند. حمایت از بنگاه‌ها و صنایع کوچک نیز نقش مهمی در حمایت از تولید ملی دارد. دولت با حمایت و توانا کردن صنایع کوچک، آنها را برای ورود به بازار آماده می‌کند؛ در نتیجه، تولید کالا و خدمات، هم از نظر کمی و هم از نظر کیفی، افزایش می‌یابد.

۲-۲. رشد بهره‌وری و پویایی نظام اقتصادی کشور و اصل آزادی کسب و کار

معیار توسعه‌یافتگی هر کشوری به میزان بهره‌گیری مطلوب و بهینه از منابع و امکانات موجود در جهت نیل به اهداف اقتصادی آن، تعریف می‌شود. هدف اصلی بهره‌وری عبارت است از به

حداکثر رساندن استفاده از منابع، نیروی انسانی، سرمایه، مواد خام تولیدی، زمان و... به شیوه‌ای علمی و با کاهش هزینه‌های تولید، به منظور گسترش بازار، افزایش اشتغال، کوشش برای افزایش دستمزدهای واقعی و بهبود معیارهای زندگی، به شکلی که به نفع کارکنان، مدیران و مصرف‌کنندگان باشد (عامری، ۱۳۸۹، ۱۱۸). به عبارت دیگر بهره‌وری روشی هوشمندانه است که انسان از فعالیت‌های خود بهترین نتیجه را به دست آورد. با تقویت تولید ملی و نیز ترویج فرهنگ جهاد اقتصادی، علاوه بر اینکه کمبودی در اقتصاد ملی به جهت تحریم‌ها یا علل دیگر وجود نخواهد داشت، روزبه‌روز شاهد فراوانی و تنوع بیشتر کالاهای موجود خواهیم بود. در این نوع اقتصاد، تلاش می‌شود همه ظرفیت‌های اقتصادی به بالاترین امکان بهره‌برداری از توان تولید برسند (تاری و همکاران، ۱۳۹۱، ۱۲).

مقصود از رفاه در کتب فقهی شیعه وسعت رزق و روزی در زندگی است (محقق کرکی، ۱۴۱۴، ج ۲: ۱۱). اندیشمندان حوزه اجتماعی و اقتصادی بر این باورند که رفاه اجتماعی تعبیری معطوف به وضعیت‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جامعه است که حفظ کرامت انسان، افزایش مسئولیت‌پذیری افراد جامعه در قبال یکدیگر و ارتقای توانمندی‌های افراد از اهداف آن است. این مفهوم در طول سالیان متعدد در مجامع علمی دچار دگرگونی‌های فراوانی شده است (زاهدی اصل، ۱۳۷۳، ج ۲: ۱۰۰) با وجود این، در حال حاضر مقصود از رفاه اجتماعی عبارت است از «مجموعه سازمان‌یافته‌ای از قوانین، مقررات، برنامه‌ها و سیاست‌هایی که در قالب مؤسسات رفاهی و نهادهای اجتماعی به منظور پاسخگویی به نیازهای مادی و معنوی و تأمین سعادت انسان ارائه می‌شود تا زمینه رشد و تعالی او را فراهم آورد» (زاهدی اصل، ۱۳۸۱، ۶). لزوم رفاه اجتماعی در نظام مبتنی بر آموزه‌های اسلام، حکومت را موظف به دنبال کردن سیاست‌ها و راهبردهایی برای تأمین مادی و معنوی انسان‌ها و ایجاد زمینه‌های سعادت دنیوی و اخروی می‌کند.

رشد بهره‌وری اقتصادی یکی از اهداف مهم اقتصاد مقاومتی است که در بند سوم سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی بر آن تأکید شده است. از طرف دیگر، یکی از اهداف مهم اصل آزادی کسب و کار کارایی اقتصادی است که طبق تعریف با مفهوم بهره‌وری یکسان است. بنابراین در این مورد اصل آزادی کسب و کار و اقتصاد مقاومتی هدف مشترکی را دنبال می‌کنند که این نشان دهنده اهمیت و نقش اقتصاد مقاومتی در اصل آزادی کسب و کار است. برای رشد کارایی و بهره‌وری، که مقصود مهم و یکی از الزامات اصل آزادی کسب و کار است، باید سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در کشور اجرا شوند تا افزون بر اینکه منجر به افزایش رشد بهره‌وری اقتصادی شوند، با سایر اهداف اصل آزادی کسب و کار نیز هم راستا باشند. یکی از

راه‌های بالا بردن بهره‌وری، به‌ویژه در بخش تولید، استفاده از همه ظرفیت‌های موجود است. با توجه به بالا بودن نرخ بیکاری در کشور، وظیفه مهم دولت این است که با فراهم کردن شرایط برای ورود افراد به بازار، ضمن محدود کردن نقش انحصاری خود، زمینه را برای آزادی کسب و کار فراهم کند.

در مجموع می‌توان گفت با توجه به اینکه افزایش کارایی و رشد بهره‌وری اقتصادی هدف مشترک اقتصاد مقاومتی و اصل آزادی کسب و کار است، احترام به این اصل می‌تواند به پویایی و تحرک بازار و در نتیجه رشد کارایی و بهره‌وری اقتصادی منجر شود.

۳-۲. مردمی کردن اقتصاد، اشتغال‌زایی، تقویت بخش خصوصی و آزادی کسب و کار

وقوع انقلاب صنعتی و گسترش بهره‌برداری از ماشین و سایر اختراعات علمی و فنی موجب تحولات و دگرگونی‌های وسیع در اوضاع اقتصادی و روابط اجتماعی کشورهای غرب اروپا و موجب نابرابری‌هایی شد (جعفرزاده، ۱۳۸۵، ۱۷). تلاش اندیشمندان و متفکران اقتصادی بر این امر استوار بود که با روش‌های ابداعی، فاصله بین تولید و مصرف و نیز فاصله بین کار و سرمایه، که ریشه تمام مصیبت‌ها تصور می‌شد، برداشته شود. همزمان نخستین طرح‌های عملی برای تشکیل شرکت‌های تعاونی نیز پی ریزی شد (طالب، ۱۳۸۶، ۲۹) که مهم‌ترین مصداق مردمی کردن اقتصاد است.

اداره امور با اتکا بر مشارکت و آراء عمومی مردم، یکی از اصول مهم و تغییرناپذیر قانون اساسی است. افزون بر این مطابق قانون اساسی، بهره‌گیری از مشارکت اقتصادی مردم و ایجاد زمینه‌های آن، از وظایف دولت است. قانون اساسی در این راستا با اشاره به «مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش» بر این موضوع تأکید کرده است. سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی نیز با در نظر گرفتن این مهم، بنیان‌های خود را بر اقتصاد مردم‌نهاد استوار و توجه خویش را به اقتصاد مشارکتی معطوف کرده است (بند یک سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی). مقام معظم رهبری نیز بارها در بیانات خود بر این موضوع تأکید کرده‌اند (بیانات مقام معظم رهبری در حرم مطهر رضوی ۱۳۹۳/۱/۱؛ بیانات در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۱۳۹۱/۶/۲). موضوع مردمی کردن اقتصاد و تقویت بخش خصوصی در سیاست‌های کلی اصل ۴۴ نیز مورد تأکید قرار گرفته بود؛ اما در حالی که نزدیک به یک دهه از ابلاغ این سیاست‌ها می‌گذرد، همچنان بخش اعظمی از اقتصاد کشور دولتی است و واحدهای واگذار شده به بخش خصوصی نیز با مشکلات عدیده‌ای دست و پنجه نرم می‌کنند و می‌توان گفت که خصوصی‌سازی در کشور چندان نتیجه‌بخش نبوده است.

اصل آزادی کسب و کار و خصوصی‌سازی از آن نظر به هم مرتبطند که اهداف مشترک و نزدیک به هم را دنبال می‌کنند. کارایی اقتصادی، تحرک و پویایی بازار، بالا رفتن کیفیت کالا و خدمات، رشد بهره‌وری و رفاه مصرف‌کنندگان از جمله اهدافی هستند که در فلسفه خصوصی‌سازی و اصل آزادی کسب و کار مستترند. دولتی بودن بنگاه‌های اقتصادی کم‌کم باعث انحصار و تسلط بر بازار شده، متعاقب آن ضمن از بین رفتن تحرک و کارایی بازار، حقوق مصرف‌کنندگان نیز از بین می‌رود و نظام اقتصادی دچار رکود و پسرفت می‌شود. بنابراین کارگزاران کشور اگر به دنبال تحقق اقتصاد مقاومتی هستند، باید تا حد امکان انحصار دولت را از بین برده، با کاهش تصدی‌های دولت و واگذار کردن آن به بخش خصوصی، شرایط ایجاد آزادی کسب و کار را در بازار امکان‌پذیر کنند. افزون بر این دولت باید با حمایت از بنگاه‌ها و کارخانه‌های کوچک آنها را برای حضور مؤثر در بازار، حمایت کند و توانمند سازد.

نکته پایانی این قسمت این است که در خصوصی‌سازی بنگاه‌های خصوصی به دنبال نفع شخصی خود هستند. این موضوع آنها را ترغیب می‌کند تا سود بیشتری به دست بیاورند که این امر منجر به شکل‌گیری رقابتی جذاب میان این بنگاه‌ها می‌شود. در این شرایط بنگاهی موفق به کسب سود بیشتر می‌شود که کالا و خدمات مناسب‌تری را به مشتریان عرضه کند؛ در نتیجه، این فرآیند منجر به تأمین بهتر رفاه مصرف‌کنندگان و تضمین حقوق آنها می‌شود. این فرآیند یک گام در جهت رشد و نهادینه کردن اصل آزادی کسب و کار است. اصل آزادی کسب و کار نیز با توجه به اصول و اهداف خود، از جنبه‌های مختلفی بر روی موضوع اشتغال‌زایی و کارآفرینی تأثیر می‌گذارد. افزون بر این، کارایی اقتصادی و کارایی بازار و حمایت از بنگاه‌های کوچک نیز به طور غیرمستقیم به اشتغال‌زایی کمک می‌کند (صادقی مقدم و دیگران، ۱۳۹۰، ۱۲۸).

همان‌طور که پیش از این نیز بیان کردیم، یکی از مشکلات و موانع اصل آزادی کسب و کار در کشور ما، نابرابری بخش دولتی و بخش خصوصی است. دولت باید با تقویت بخش خصوصی شرایط یک رقابت عادلانه را برای هر دو بخش فراهم کند؛ زیرا در نتیجه‌ی یک رقابت سالم، رشد و بهره‌وری، تحرک و پویایی بازار، اشتغال‌زایی و رفاه مصرف‌کنندگان که غایت مشترک اصل آزادی کسب و کار و اقتصاد مقاومتی است، به دست می‌آید.

۴-۲. مبارزه با فساد اقتصادی و اداری و اصل آزادی کسب و کار

فساد خروج شیء از حالت اعتدال خواه کم یا زیاد است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۶۳۶). فساد در عرصه تصمیم‌گیری و اجرا، به وسیله مقامات عمومی به سوءاستفاده از قدرت ناشی از

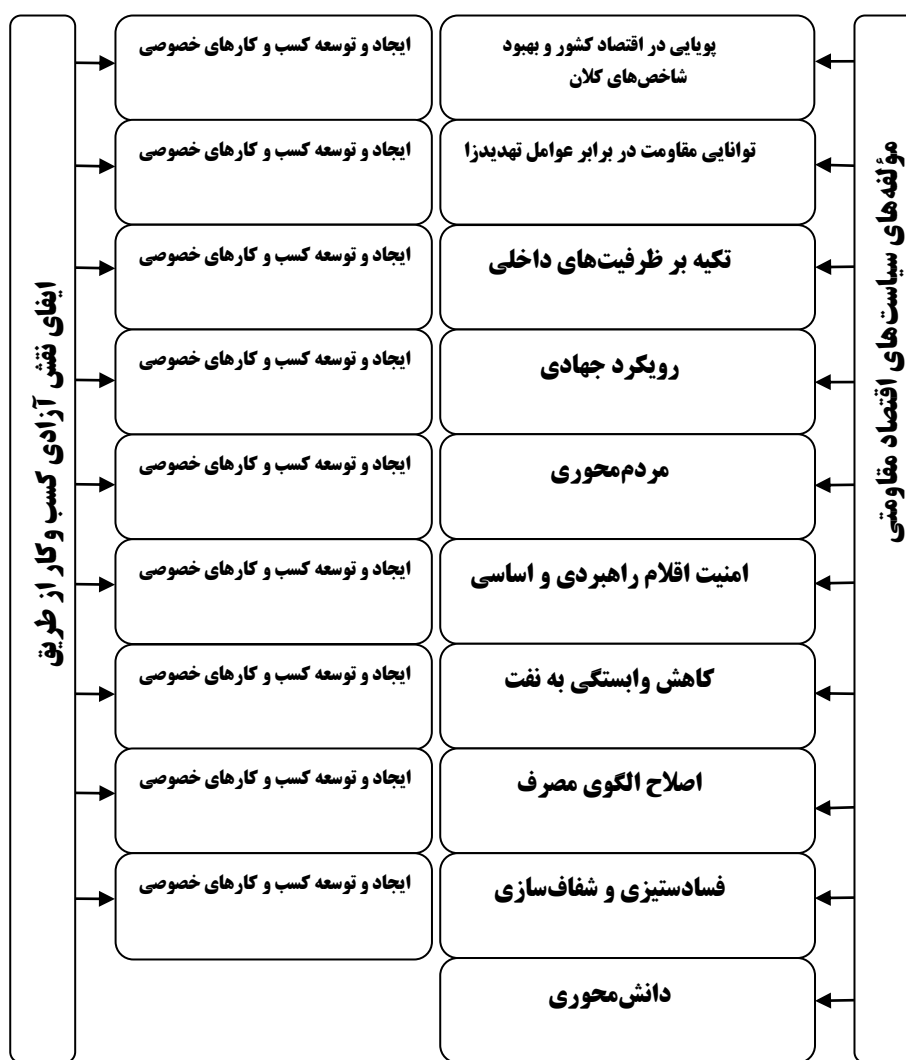
تصمیم‌گیری و اجرا و استفاده از آن در موضع غیرحق اشاره دارد (شمس و حسنی، ۱۳۹۱، ۸۳). به بیان دیگر مقصود از جلوگیری فساد در عرصه اداره حکومت آن است که مقامات حکومتی نقض یا تغییر قوانین، مقررات و ضوابط اداری را در راستای جلب منافع خصوصی، صنفی و در ازای دریافت پول، کالا، خدمات و... مقدم دارند (قلی پور و نیک رفتار، ۱۳۸۵، ۳۵). فساد اداری و اقتصادی یکی از آفت‌های ویران‌کننده نظام اقتصادی و اداری جامعه است. مقصود از فساد، به‌ویژه در بخش دولتی و کلان، سوءاستفاده از اموال و منافع عمومی و پایمال نمودن حقوق مردم در راستای منافع شخصی است.

ایران کارکرد مطلوبی در عرصه مبارزه با فساد اقتصادی نداشته است. نوع ورود نفت در اقتصاد ایران و فقدان نهادهای مربوط به شفافیت اطلاعاتی و نیز درگیری دولت در تصدی شرکت‌ها موجب غفلت از تنظیم‌گری، مبارزه با فساد و دیگر ناکارآمدی‌های نهادی در اقتصاد ایران شده است. اینها میراثی است که از پیش از انقلاب بر جای مانده و تدبیر مناسبی برای آن اندیشیده نشده است (نریمانی و عسکری، ۱۳۹۰). قانون اساسی در اصل سوم مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی را یکی از وظایف دولت دانسته است. موضوع شفافیت در امور اداری و اقتصادی و فسادستیزی یکی از مباحث مهم و مورد تأکید اقتصاد مقاومتی است (بندهای ۱۹ و ۲۰ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی). مقام معظم رهبری نیز در تبیین سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، فسادستیزی را یکی از مؤلفه‌های مهم اقتصاد مقاومتی بیان کرده‌اند (بیانات مقام معظم رهبری در جلسه تبیین سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ۲۰/۱۲/۱۳۹۲).

به طور کلی می‌توان گفت که اصل آزادی کسب و کار نیز در راستای مبارزه با فساد در بازار و اقتصاد جامعه ایجاد شده است؛ به عبارت دیگر یکی از مهم‌ترین دلایل فلسفه وجودی اصل آزادی کسب و کار، مبارزه با فساد است. همان‌گونه که دیکتاتوری و انحصار قدرت در عالم سیاست قبیح و باعث فساد می‌شود، انحصار و تبانی در بازار و نبود آزادی هم قبیح و فسادانگیز است. لذا اصل آزادی کسب و کار به دنبال از بین بردن فساد، به‌ویژه در حوزه اقتصاد است.

بنابراین باید با اعمال درست و دقیق اصول و قواعد اصل آزادی کسب و کار، از فساد در نظام اقتصادی کشور جلوگیری شود. اجرای درست و دقیق این اصول و قواعد در کشور ایران بر عهده سازمان خصوصی‌سازی است که به نظر می‌رسد تاکنون عملکرد چندان قابل‌قبولی نداشته است. البته مقابله با فساد اداری و اقتصادی در ایران نیازمند یک عزم ملی و همه‌جانبه از طرف همه ارکان نظام و مردم است.

در شکل زیر، مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی^۳ با نقش آزادی کسب و کار مرتبط شده است:
 ایجاد و توسعه کسب و کارهای خصوصی



نمودار ۱: مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی با نقش آزادی کسب و کار (برادران، کشمیری حق، ۱۳۹۳، ۱۵)

جدول ۱: نقش و جایگاه سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در آزادی کسب و کار (برادران، کشمیری حق، ۱۳۹۳، ۳۰).

منبع	کد استخراجی از منظر کار آفرینی	گزاره سیاست کلی	ردیف
بند ۱ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی	بسیج تمام منابع برای توسعه آزادی کسب و کار با رویکرد مشارکت جمعی	تأمین شرایط و فعال‌سازی کلیه امکانات و منابع مالی و سرمایه‌های انسانی و علمی کشور به منظور توسعه کارآفرینی و به حداکثر رساندن مشارکت آحاد جامعه در فعالیت‌های اقتصادی با تسهیل و تشویق همکاری‌های جمعی و تأکید بر ارتقاء درآمد و نقش طبقات کم‌درآمد و متوسط.	۱
بند ۲ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی	اولویت توسعه آزادی کسب و کار و ایجاد و توسعه نظام نوآوری در سطح ملی و منطقه‌ای	پیشسازی اقتصاد دانش‌بنیان، پیاده‌سازی و اجرای نقشه جامع علمی کشور و ساماندهی نظام ملی نوآوری به منظور ارتقاء جایگاه جهانی کشور و افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش‌بنیان	۲
بند ۳ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی	توانمندسازی منابع انسانی از منظر مهارت‌ها و تخصص‌های کسب و کار	قرار دادن رشد بهره‌وری در اقتصاد - با تقویت عوامل تولید، توانمندسازی نیروی کار، تقویت رقابت‌پذیری اقتصاد	۳
بند ۴ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی	توسعه برنامه‌های کسب و کار با استفاده از پتانسیل هدفمندسازی یارانه‌ها	استفاده از ظرفیت اجرای هدفمندسازی یارانه‌ها در جهت افزایش تولید، اشتغال و بهره‌وری، کاهش شدت انرژی و ارتقاء شاخص‌های عدالت اجتماعی.	۴
بند ۶ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی	تدوین برنامه‌های توسعه کسب و کار در حوزه تولید با تأکید بر کالاهای اساسی	افزایش تولید داخلی نهاده‌ها و کالاهای اساسی (به‌ویژه در اقلام وارداتی)	۵

ردیف	گزاره سیاست کلی	کد استخراجی از منظر کار آفرینی	منبع
۶	اصلاح و تقویت همه‌جانبه نظام مالی کشور با هدف پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی	تدوین برنامه‌های تأمین مالی کسب و کار و مخاطره‌پذیر	بند ۹ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی
۷	حمایت همه‌جانبه هدفمند از صادرات کالاها و خدمات به تناسب ارزش	تدوین راهبردهای بین‌المللی نمودن کسب و کارها	بند ۱۰ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی
۸	گسترش خدمات تجارت خارجی و ترانزیت و زیرساخت‌های مورد نیاز	تدوین راهبردها و زیرساخت‌های لازم برای فعالیت‌های بین‌المللی کسب و کار	بند ۱۰ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی
۹	تشویق سرمایه‌گذاری خارجی برای صادرات	تأمین مالی کسب و کار و مخاطره‌پذیر خارجی	بند ۱۰ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی
۱۰	شکل‌دهی بازارهای جدید و تنوع‌بخشی پیوندهای اقتصادی با کشورها	تدوین راهبردهای تجاری‌سازی یافته‌های دانش‌بنیان و ارتقای فعالیت‌های کسب و کار نوآورانه در سطح بین‌المللی	بند ۱۰ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی
۱۱	توسعه حوزه عمل مناطق آزاد و ویژه اقتصادی کشور به منظور انتقال فناوری‌های پیشرفته	ارتقا سطح نقش مناطق آزاد در انتقال فناوری برای رشد سطح کسب و کار	بند ۱۱ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی
۱۲	مشارکت دادن بخش خصوصی در فروش	تسریع در فرآیند خصوصی‌سازی با رشد فعالیت‌های کسب و کار در تمام بخش‌ها	بند ۱۳ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی

بر اساس جدول بالا و گزاره‌های استخراجی از سند اقتصاد مقاومتی می‌توان گفت که توسعه کسب و کار جایگاه مهمی در تحقق اقتصاد مقاومتی ایفا می‌کند.

نتیجه‌گیری

سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی برآیند و جمع‌بندی کلان از سیاست‌های کلی است که در عرصه اقتصاد و موضوعات نزدیک به اقتصاد ابلاغ شده است و نشان می‌دهد که قوانین این حوزه به‌خوبی اجرا نشده‌اند. مجلس باید در حوزه تقنین نظام قانونی کشور را پالایش و آن را منسجم و با نظارت کامل زمینه اجرای درست قوانین را ایجاد کند تا از پراکندگی قوانین و اجرای ناقص آنها جلوگیری شود.

اجرای درست و دقیق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، در تحقق و دستیابی به اهداف اصل آزادی کسب و کار بسیار مؤثر است. اصل آزادی کسب و کار اهدافی را دنبال می‌کند که همه آنها به صورت مستقیم یا غیرمستقیم جزء اهداف اقتصاد مقاومتی است. کارایی بازار و نظام اقتصادی، افزایش رفاه به-ویژه رفاه مصرف‌کنندگان، حمایت از بنگاه‌ها و صنایع کوچک، جلوگیری از سوءاستفاده در بازار که منجر به افزایش نقش مردم در اقتصاد می‌شود، حمایت از کارگران و اشتغال‌زایی و نوآوری و... از جمله مهم‌ترین اهداف اصل آزادی کسب و کار است که همه آنها در بطن سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی نیز وجود دارند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در اصولی مانند ۴۳ و ۴۴ با تأکید بر سیستم اقتصادی کشور، اصل آزادی کسب و کار را محترم شمرده است.

بنابراین در پاسخ به پرسش ابتدایی بحث خود می‌توانیم بگوییم که اقتصاد مقاومتی با اعمال اصول و قواعد خود، آزادی کسب و کار را در بازار ایجاد می‌کند که این باعث تحقق هدف رشد بهره‌وری و پویایی بازار و نظام اقتصادی کشور شده، با حمایت از صنایع کوچک آنها را برای رقابت با بنگاه‌های بزرگ توانا می‌سازد. این امر افزون بر اینکه باعث تحرک و پویایی بازار می‌شود، اشتغال‌زایی را نیز به دنبال دارد. اجرای اقتصاد مقاومتی با ممنوع کردن انحصارات دولتی، فضا را برای ورود سایر بخش‌ها از جمله بخش خصوصی مهیا و در نتیجه به مردمی کردن اقتصاد می‌انجامد. رسالت اصلی اقتصاد مقاومتی مقابله با فساد در بازار و نظام اقتصادی و حمایت از حقوق مردم و مصرف‌کنندگان است که دستیابی به این هدف نیز باعث تحقق یکی دیگر از اهداف اساسی اصل آزادی کسب و کار می‌شود.

بنابراین مطابق آنچه گفته شد فرضیه ابتدایی تحقیق تأیید می‌شود؛ بدین صورت که اقتصاد مقاومتی نقش تعیین‌کننده‌ای در دستیابی و عملیاتی کردن اهداف اصل آزادی کسب و کار دارد. در پایان با توجه به اهمیتی که اقتصاد مقاومتی در تحقق اهداف اصل آزادی کسب و کار دارد، امیدواریم که سیاستگذاران و ارکان تصمیم‌گیرنده در کشور ما، ضمن بازنگری و بررسی محدود قوانین و مقررات موجود، توجه بیشتری به حوزه اقتصاد مقاومتی داشته، با وضع قوانین و مقررات مناسب‌تر و کامل‌تر، زمینه اجرای درست و دقیق آن را در راستای دستیابی به اهداف اصل آزادی کسب و کار در کشور فراهم کنند.

یادداشت ها

1. Sherman.
2. Clayton.
3. Economic Strength.

منابع

الف: فارسی

۱. احمدزاده بزاز، سید عبدالمطلب (۱۳۷۹)، «قانون اساسی و اصل آزادی تجارت»، کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۳۴ و ۳۵.
۲. اختری، آیت الله عباسعلی (۱۳۹۵)، اقتصاد مقاومتی (زمینه‌ها - راهکارها)، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۳. برادران، محمدصادق و کشمیری حق، محمد امین (۱۳۹۳)، جایگاه کارآفرینی در اقتصاد مقاومتی، گزارش شماره ۹۳۰۰۱۳ کمیسیون کارآفرینی و کسب و کار مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۴. بهادری جهرمی، علی و علی فتاحی زفرقندی (۱۳۹۵)، الزامات حقوقی تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۵. بهرامی کمیل، نظام و احسان فدایی و مجتبی راعی (۱۳۹۶)، تجربه اقتصاد مقاومتی در جهان و ایران، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۶. پروین، خیرالله و مرتضی سعیدی پلمی و حسین مبینی بیدگلی (۱۳۹۶)، «حقوق رقابت و نقش آن در تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی در ایران»، دومین همایش بین‌المللی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی.
۷. پیغامی، عادل (۱۳۹۵)، تبیین نظریه اقتصاد مقاومتی، انتشارات بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق(ع)، چاپ سوم.
۸. تازی، فتح الله و خشایار سیدشکری و زهرا کاویانی (۱۳۹۱)، اقتصاد مقاومتی و مؤلفه‌های آن، تهران: دفتر مطالعات اقتصادی (گروه بازرگانی) مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۹. تقی‌زاده انصاری، محمد (۱۳۷۹)، «استقلال سیاسی و استقلال اقتصادی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۴۹.
۱۰. جعفرزاده، مسعود (۱۳۸۵)، تعاون را بهتر بشناسیم، تهران: نشر پایگان.
۱۱. حسینی، سید احمدرضا (۱۳۹۶)، «چالش‌های کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زنان با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، مجله رواق اندیشه، شماره ۳.

۱۲. دفتر مطالعات اقتصادی وزارت بازرگانی (۱۳۸۴)، «لایحه‌ی مقررات تسهیل‌کننده رقابت و جلوگیری از انحصار»، قابل دسترس در: <http://www.nicc.gov.ir>
۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات الفاظ القرآن، بیروت: دارالعلم.
۱۴. زارعی، محمدحسین (۱۳۸۳)، «نظام قانونگذاری در ایران (با تأملی بر جایگاه سیاست‌های کلی نظام)»، مجله راهبرد، شماره ۳۴.
۱۵. زاهدی اصل، محمد (۱۳۸۱)، مبانی رفاه اجتماعی، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
۱۶. زاهدی اصل، محمدرضا (۱۳۷۳)، «مفاهیم رفاه اجتماعی و تأمین اجتماعی»، مجموعه مقالات سمینار جامعه‌شناسی و توسعه، تهران: سمت.
۱۷. سماواتی، حشمت‌الله (۱۳۷۴)، مقدمه‌ای بر حقوق رقابت بازرگانی، تهران: فردوسی.
۱۸. شریعت‌پناهی، قاضی (۱۳۸۴)، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران: جلد اول.
۱۹. شمس، عبدالحمید و علی حسنی (۱۳۹۱)، «راهکارهای مبارزه با فساد اداری بر اساس ارزش‌های اسلامی»، نشریه اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، شماره ۵.
۲۰. صادقی مقدم، محمدحسن و بهنام غفاری (۱۳۹۰)، «روح حقوق رقابت»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۷۳.
۲۱. صادقی، طوبی (۱۳۸۶)، «اصول حاکم بر حقوق رقابت تجارتي»، مجله تخصصی الهیات و حقوق، شماره ۲۳.
۲۲. طالب، مهدی (۱۳۸۶)، اصول و اندیشه‌های تعاونی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۳. طباطبایی مومنی، منوچهر (۱۳۸۶)، آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران: چاپ دوم.
۲۴. عامری، فیصل (۱۳۸۹)، «حقوق رقابت و توسعه»، فصلنامه حقوق و سیاست، سال دوازدهم، شماره ۳۰.
۲۵. عبدالملکی، حجت‌الله (۱۳۹۳)، اقتصاد مقاومتی، تهران: بسیج دانشگاه امام صادق(ع)، چاپ چهارم.
۲۶. غمامی، محمد و محسن اسماعیلی (۱۳۸۹)، «مطالعه تطبیقی نظام رقابت در ایران و فرانسه»، پژوهش‌نامه حقوق اسلامی، شماره دوم.

۲۷. قلی پور، رحمت الله و طیبه نیک رفتار (۱۳۸۵)، «فساد اداری و راهکارهای مناسب برای مبارزه با آن»، نشریه مجلس و راهبرد، شماره ۵۳.
۲۸. محقق کرکی (۱۴۱۴)، *جامع المقاصد فی شرح القواعد*، چاپ دوم، قم: مؤسسه آل البيت.
۲۹. مؤذنی، روح الله (۱۳۹۳)، *حقوق عمومی اقتصادی - مطالعه تطبیقی ایران و فرانسه*، تهران: نشر مجد.
۳۰. مؤمنی، حانیه سادات (۱۳۹۶)، *اقتصاد مقاومتی در کشورهای پیشرفته*، انتشارات دانشگاه امام صادق، چاپ اول.
۳۱. میرمعزی، سید حسین (۱۳۹۰) *نظام اقتصادی اسلام*، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳۲. نخعی آغمیمونی، منیژه و رضا نجارزاده (۱۳۸۲)، *واژه‌های کلیدی اقتصاد خرد و کلان*، تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی.
۳۳. نریمانی، میثم و حسین عسکری (۱۳۹۱)، «چارچوب مفهومی اقتصاد مقاومتی»، اولین همایش ملی اقتصاد مقاومتی.
۳۴. هاشمی، محمد (۱۳۹۳)، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: نشر میزان، جلد اول.
- ب: لاتین

35. Dominique, Brault (2004), *Politique et pratique du droit de la concurrence en France*.
36. Stuyck, Jules (2015), "EC Competition law after Modernisation", *Jurnal of Consumer policy*, Vol: 28
37. Taylor, Martyn (2002), *International competition law*, New York, Cambridge university press.

